

مستشاران خارجی در ایران (از آغاز ورود تا سلطنت محمدشاه قاجار)^۱

ابتهاج سلیمی^۲

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی عملکرد مستشاران خارجی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و پیامدهای حضور آنها از بدو ورود به ایران تا اواخر سلطنت محمد شاه قاجار است. در این میان، از تعدادی مستشاران برجسته دوره‌های تاریخی صفویه تا قاجار یاد شده و فعالیت‌ها و اقدامات آنها بیان گردیده است. استخدام مستشاران در حوزه‌های مختلف از دوره صفویه و پس از آن صورت پذیرفت و این روند در زمان قاجار به اوج خود رسید. تمایلات نوگرایانه در ایران، تحت تأثیر پیشرفت علوم و فنون در غرب و آشکار شدن عقب ماندگی‌های این کشور بود که سرانجام موجب آن گردید دولتمردان ایرانی در صدد استخدام کارشناسانی از کشورهای پیشرفته برآیند و از آنها به عنوان مستشار برای اجرای اصلاحات و نوگرایی در ایران دعوت به عمل آورند.

واژگان کلیدی: مستشاران خارجی، ایران، صفویه، افشاریه، قاجاریه

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۵/۱۰

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۳/۲۵

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران و دستیار علمی دانشگاه پیام نور هرسین

E-mail: ebtehaj.salimi@yahoo.com

مقدمه

دعوت از مستشاران خارجی به ایران، زمانی آغاز شد که تماس‌های دو سوپه ایران و تمدن جدید غرب اجتناب‌ناپذیر می‌نمود و نظام کهن ایران به طور باور نکردنی خود را در رویارویی با اکتشاف‌های نو، پیدایش و پیشرفت دانش‌های نوین، گسترش جامعه شهرنشینی و رشد سرمایه داری می‌دید. آشنایی روزافزون ایران با پیشرفت‌های نوین غرب باعث گردید که به فاصله فیما بین در زمینه‌های مختلف پی ببرد.

پیشرفت تولیدات نظامی جدید در جهان و شکست‌های ایران به دلیل تفاوت‌های تسلیحاتی و به مخاطره افتادن موقعیت ایران در برابر پیروزی‌های جنگی و دست‌یازی‌های نظامی دشمنان از مهم‌ترین دلایلی بود که ایران را به فکر تلاش‌هایی نوگرایانه واداشت و یکی از راه‌های پیش روی او، کمک گرفتن از غرب و در خواست اعزام مشاوران و متخصصان خارجی برای آموزش در امور مختلف نظامی در مرحله اول و بعدها در زمینه‌های دیگر از جمله امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بود که هر چند، علی‌رغم ایجاد برخی تحولات، به دلیل عدم زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی مناسب آن زمان و وجود این حقیقت که بیشتر آنها به نفع خودو پیشبرد اهداف کشورشان کار می‌کردند، نتوانستند تحولاتی عمیق و اساسی را برای ایران به ارمغان آورند.

اهداف و وظایف

نخستین تلاش‌های نوگرایانه در ایران باتمایلات ترقی خواهانه و بر آمده از آگاهی به عقب ماندگی ایران و آشنایی روز افزون با پیشرفت و ترقی علوم و فنون در غرب و نیز ضرورت تاریخی انجام اصلاحات و دگرگونی‌های نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ایران پیوند نزدیک داشت و زمینه‌های فکری ضرورت انجام اصلاحات و نوگرایی در ایران را فراهم و تقویت نمود. (کسرایبی، بی‌تا: ۲۲۶-۲۲۵/ سفرنامه بنجامین، ۱۳۶۹:۳۶۸) به همین جهت برای رفع عقب‌ماندگی‌ها به استخدام افراد

کارشناس از کشورهای پیشرفته پرداختند و از آنها به عنوان متخصص و مستشار^۱ دعوت به عمل آوردند. البته دولت‌های اروپایی در اعزام مستشار به کشورهای دیگر جز توجه به کسب منافع اقتصادی، می‌کوشیدند توسط همین مستشاران کاردان، مصالح و منافع ملی و منطقه‌ای خود را نیز تأمین نموده و خطرات احتمالی که منافع آنان را تهدید می‌کرد را بی‌اثر کنند. به همین منظور از اشخاصی که آشنا با اصول دیپلماتیک بودند و همین‌طور مهارت و توانایی‌های بالایی داشتند، استفاده می‌کردند، زیرا رفتار آنان در پیشبرد اهداف بسیار مهم و تعیین‌کننده بود و در برخی موارد عملکردشان باعث گسترش یا قطع روابط سیاسی میان دولت‌ها می‌شد. در واقع سعی بیشتر آنان تدوین گزارش‌هایی از وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مردم آن سرزمین بود. (قدیمی قیداری، ۱۳۸۵: ۵۴) آنها باید به اندازه‌ای که خلاف منافع ملی‌شان نباشد با محیط محل مأموریت خود هماهنگی نموده و خصوصیات زمان و مکان و عادات مردم محل را مورد ملاحظه قرار دهند. (حسام معزی، ۱۳۶۶: ۱۰۱) ارائه نظرات و مواضع دولت متبوع در کشور مقابل، جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌های مورد نظر، انجام وظایف محوله، جلب نظر و توجه دولتمردان کشوری که به آن اعزام گردیده‌اند و ایجاد اعتماد و رضایت در کشور مدعو از وظایف دیگر آنان به شمار می‌آید. (کاظمی، ۱۳۶۵: ۱۷-۱۵/ ریشار، ۱۳۶۹: ۴۷-۴۶)

آغاز روابط و سابقه ورود مستشاران به ایران

روابط خارجی کشورهای آسیا و اروپا عموماً از قرون جدید آغاز می‌شود و به تبع، روابط ایران و اروپا نیز بخشی از آن محسوب می‌گردد، اما از آنجایی که به‌طور دقیق، تاریخ ورود اروپائیان به ایران تا پیش از دوران مغول مشخص نیست، لذا براساس شواهد و مدارک تاریخی، پیشینه آن را باید از دوران حکومت مغولان بررسی کرد. نظر به اینکه هجوم مغولان به ایران و دوره فرمانروایی آنان، دوره‌ای از آغاز روابط ایران و آسیا

۱. Mostashar، کلمه مستشار به معنی رایزن و مشاوره که دیگری او را به خدمت گرفته و اجیر او است و

درقبال کارگذاری و خدمتش اجرت کسب می‌نماید. ر. ک. آقابخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز

اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵، ص ۸۶.

(درون قاره‌ای) است. بنابراین، عصر اسلامی و پس از حمله مغولان تا فتح قسطنطنیه و حتی ارتباط کوتاه جانشینان چنگیز و تیمور با پادشاهان عیسوی را نیز چندان نمی‌توان رابطه ایران و اروپا به شمار آورد؛ در حقیقت روابط سیاسی ایران با اروپا از عهد امیران آق‌قویونلو شروع می‌شود. (حائری، ۱۳۸۰: ۱۴۱-۱۴۰، سیوری، ۱۳۷۲: ۱۰۱)

در دوره حکومت حسن‌بیک و رقابت او با سلطان عثمانی است که آشنایی ایران با تمدن جدید آغاز می‌شود. حکومت عثمانی مانع عمده ترقی بازرگانی و رشد اقتصادی ونیزیان بود، از این رو ده سال پس از فتح استانبول به دست سلطان محمد فاتح در سال ۱۴۵۳ م. سنای ونیز تصویب کرد که آن جمهوری با حسن‌بیک آق‌قویونلو روابط سیاسی برقرار کند و بر ضد ترکان عثمانی با آن پادشاه معاهده‌ای منعقد نماید، همین امر باعث ورود نخستین مظاهر و عوامل تمدن جدید به ایران گشت، زیرا نمایندگان سیاسی، تجاری و بازرگانی ونیزی که به ایران می‌آمدند، محصولاتی از تمدن جدید را به ایران می‌آوردند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸: ۵-۳)

عصر صفویه دوره افزایش روابط ایران و اروپا است. چون در این دوره، دولت‌های اروپایی گرفتار حملات عثمانی‌ها بودند و آن دولت برایشان خطری بزرگ شده بود و دشمنی بین ایران و عثمانی آنان را از این خطر حفظ می‌کرد. از این‌رو، روابط با ایران برای آنها جنبه حیاتی داشت، همین‌طور بازرگانی با مشرق به‌ویژه ابریشم ایران و ادویه هندوستان کاری آسان و پر سود شده بود. این امر باعث توجه بیشتر اروپا به ایران و کشورهای همجوار شد. به همین جهت تعداد نسبتاً زیادی از اروپائیان به عناوین مختلف به ایران آمدند که وجود این اشخاص موجب شد به تدریج تمدن اروپایی در ایران شناخته شود. (همان: ۲۰-۱۹)

حمایت دربار صفوی از دولت‌های اروپایی در گسترش رفت و آمد اروپائیان و مأموران آنان به ایران نقش به‌سزایی داشت. (کرزن، ۷۳: ۵) از جمله این دولت‌ها انگلستان بود؛ تماس میان ایران و انگلستان در طی قرون متمادی به صورت موقتی انجام می‌شد. گاهی ده‌ها سال میان سفر یک هیئت تا هیئت بعدی طول می‌کشید. نخستین نماینده انگلیس به ایران که سفرش ثبت شده است، جئو فری دولانگی^۱ نام دارد که در سال ۱۲۹۰ م. از سوی ادوارد اول به ایران اعزام شد. سیصد سال بعد، برادران شرلی، (رابرت

1. Geo Fery Dolangi

و آنتونی) به ایران آمدند. رابرت سال‌های متمادی در دربار صفوی باقی ماند و عنوان اولین مستخدم خارجی را در ایران به خود اختصاص داد. (رایت، ۱۳۶۱: ۲) البته آنها ابتدا به اختیار خود به ایران آمدند و دعوت رسمی از آن دو به عمل نیامد. دنباله این اقدامات در عهد نادر شاه و جانشینان وی ادامه داشت، اما می‌توان گفت که شکل واضح و مشخص حضور مستشاران طی حاکمیت خاندان قاجار در ایران دیده می‌شود. از هنگام ورود نخستین میسیونرهای مذهبی و سپس تداوم این روند با حضور سیاسی خارجی‌ان تا تأسیس سفارتخانه‌ها و استخدام رسمی مستشاران در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی دورانی از تحول را طی کرد که در هر مقطعی علی‌رغم تلاش‌های جدی برای تثبیت حضور مستشاران با مخالفت‌ها و اعتراض‌هایی مواجه بود. (احیائی، ۱۳۸۲: مقدمه)

در سال ۱۲۲۲ق. / ۱۸۰۷م پس از عقد قرارداد فین کنشتاین، ناپلئون برای اجرای مواد راجع به همکاری و آموزش نظامی به نیروی ارتش ایران، سرتیپ گاردان را به ریاست هیأت اعزامی انتخاب کرد و فرمان حرکت او را به ایران صادر نمود. قصد ناپلئون از فرستادن گاردان به ایران، در حقیقت ابراز دشمنی و مخالفت با دولت روسیه و انگلستان بود. (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۳: ۲۶۸)

کارگزاران خارجی در دوره صفویه

یکی از ویژگی‌های آشکار دوران صفویه، گسترش تجارت و رقابت‌های بازرگانی بود که سرانجام جنبه سیاسی به خود گرفت و این امر موجب باز شدن بیش از پیش پای اروپائیان به ایران گردید. همین علاقه پادشاهان صفوی به توسعه روابط بازرگانی و سیاسی و استفاده از جنگ‌افزارهای پیشرفته آن زمان اروپا برای مقابله با قشون عثمانی را می‌توان در تشدید این رقابت‌ها موثر دانست. (اولثاریوس، بی‌تا: ۵)

در سال ۹۸۸ ق. / ۱۵۸۰م. هم‌زمان با حکومت محمد خدابنده در ایران، کشور پرتغال به تصرف اسپانیا درآمد. فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا علاقه‌مند به گسترش روابط تجاری و بازرگانی کشور خود بود. علاوه بر آن، برای اتحاد بیشتر با ایران علیه عثمانی اعلام آمادگی کرد و تمایل داشت مسیحیان ایرانی از آزادی بیشتری در انجام امور مذهبی خود برخوردار شوند و اجازه ساختن کلیسا به آنها اعطاء شود. وی در سال ۹۸۹ ق. / ۱۵۸۱ م. به دون سکار نیا دو سانتا کروز، نایب‌السلطنه هند دستور داد نماینده‌ای به

دربار ایران بفرستد که او نیز کشیش عالی‌مقامی به نام پرسمون مورالس که زبان فارسی را به خوبی می‌دانست به ایران فرستاد. (هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۸۳: ۳۸) وی به نمایندگان وحتىی هیئت‌های مبلغین دینی بسیار احترام می‌گذاشت و به آنها اجازه می‌داد که در سراسر کشور وظایف خود را آزادانه انجام دهند. (سانسون، ۱۳۴۲: ۳۴) به همین جهت مورالس در دربار خدابنده ماندگار شد و چون اعتماد شاه را کسب نمود، شاه او را معلم فرزند خود حمزه میرزا کرد تا به وی ریاضیات و نجوم آموزش دهد و در همان سال مورالس را مأمور دربار ایران نمود. (نوایی، ۱۳۷۲: ۱۶)

در سال ۱۰۰۷ق. / ۱۵۹۸م. نیز ارتش صفوی تعداد زیادی نیروی گرجی و ارمنی استخدام نمود و دو برادر ماجراجوی انگلیسی به نام‌های آنتونی و رابرت شرلی و یک لهستانی مسیحی به نام جسوئیت تادیوس کروزینسکی نیز به دربار ایران راه یافتند. (جولانتا سیراکاسکا، ۱۳۸۳: ۵۷)

آنتونی از سوی ارل آف اسکس یکی از اشراف انگلستان مأموریت یافت به ایران بیاید و شاه عباس صفوی را به جنگ با عثمانی و اتحاد با کشورهای عیسوی مذهب اروپا ترغیب کند، زیرا در آن موقع عثمانی‌ها تا پشت دروازه‌های وین در اروپا پیش رفته بودند. کسب امتیاز برای بازرگانان انگلیسی از شاه ایران از دیگر وظایف آنتونی ذکر شده است. (فلسفی، ۱۳۴۶: ۲۴۳) به این ترتیب این دو نجیب زاده انگلیسی و عده‌ای از انگلیسی‌ها حدود ۷۰ نفر^۱ پس از اخذ تعلیمات لازم از سوی پاپ اعظم در واتیکان از راه آسیای صغیر به دربار شاه عباس کبیر آمدند. (محمود، ۱۳۲۸: ۳-۲) از همراهان او کسانی که نام آنها ضبط شده است، برادرش سررابرت شرلی، جورج منوارینگ رئیس تشریفات، جان نوریس، توماس دیویس، آرنولد لود کرافت، آبل پنسون، ۸ پیشکار شرلی و ویلیام پاری رئیس خدمه او، گابریل بروکس، جان وارد، جان پاروت، ادوارد آنتویر از مردم هلند، میکل آنجلو، مترجم، توماس پوول و جان هوارد را می‌توان نام برد. (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۸: ۱۴).

به طور مسلم آنتونی شرلی یک سفیر رسمی به دربار ایران نبود، او جهانگردی بود که برای کسب شهرت و ثروت به ایران آمده بود و چون در فنون جنگ تعلیم دیده بود،

۱. در منابع دیگر در مورد تعداد نفرات هیئت شرلی اختلاف نظر وجود دارد، اما در خود سفرنامه شرلی تعداد آنها را ۷۰ نفر قید نموده است. ر.ک: سفرنامه برادران شرلی، ص ۷۴.

به گفته خود به ایران آمده بود تا خدمات خود را به پادشاه صفوی عرضه نماید. (آوانس، ۱۳۵۷: ۵۷-۵۸) با تکیه به این قراین، شاید بتوان نقش وی و هیئت همراهش را در اصلاحات نظامی شاه عباس، شامل تغییرات و سازماندهی قشون با نظم و نظام جدید مؤثر دانست.

پیترودلاواله سیاح ایتالیایی در نامه‌ای به تاریخ ۲۲ آوریل ۱۶۱۹م. می‌نویسد: در نظام نوین از ابتکارات شاه فعلی - شاه عباس اول - است که چند سال پیش با اصرار آقای آنتونی شرلی انگلیسی مورد توجه قرار گرفت و شرلی افتخار آن را یافت که فکر تشکیل فوج تفنگچیان را به شاه عباس ارائه دهد و مفتخر به بنیاد نهادن سلاح آتشین در ایران شد که مورد توجه شاه قرار گرفت. (پیترودلاواله، ۱۳۷۰: ۳۴۴). شاه عباس، آنتونی شرلی را «میرزا» به معنای «امیرزاده» لقب داده بود و او را «میرزا آنتونیو» می‌خواند. آنتونیو در طی شش ماه اقامت در اصفهان به همراه الله‌وردی‌خان سپهسالار ایران، عده‌ای از سربازان ایرانی را با فنون جدید جنگ و کاربرد سلاح‌های آتشین و تهیه توپ‌های نیرومند آشنا کرد و آنها را حاضر و مهیا جهت برابری و مقابله ینی‌چری‌های عثمانی کرد. این اقدامات که در جهت نیرومندی ارتش ایران صورت گرفت موجب رضایت خاطر شاه عباس بود و شاه نیز به پاس زحمات و خدماتش او را برادر خود خطاب می‌کرد و او را عزیز می‌شمرد. (نوایی، ۲۵۳۷: ۲۲۶)

آنتونیو در اثبات بیشتر خدمتگزاری خود به پادشاه ایران پیشنهادی در خصوص رفتن به اروپا از جانب ایران و تهیه مقدمات معاهده ای با دول اروپایی جهت جلوگیری از ازدیاد نفوذ عثمانی کرد و رابرت شرلی برادر خود و ۵ نفر از کسانی که با وی از اروپا آمده بودند را در ایران به عنوان گروگان گذارد که شاه عباس از وجود رابرت شرلی و هنر وی در جنگ با عثمانی‌ها استفاده فراوان برد. (پرویز، ۱۳۳۹: ۴۳۱) سرآنتونی در سال ۱۰۰۸ ق/ ۱۵۹۹م از سوی شاه به اروپا اعزام گردید و نامه‌های دولتی از سوی ایران را به پاپ و پادشاهان اروپایی از جمله رودلف دوم امپراتور روم، پادشاه بوهیمیا، هانری چهارم پادشاه فرانسه، فیلیپ سوم پادشاه اسپانیا، پادشاه اسکاتلند، پادشاه لهستان و ملکه انگلستان رسانید. (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۰۵) آنتونی موظف بود حمایت این پادشاهان را در مبارزه علیه دشمن مشترک یعنی عثمانی‌ها جلب کند، و همراه او یکی از صاحب منصبان قرلباش به نام حسین علی بیک بیات نیز اعزام گردید. (همان، ۱۳۸۲: ۳۰۳)

می‌توان گفت برادران شرلی بیشتر از کاردارانی که قبل و بعد از آنها در دربار صفویه خدمت می‌کردند، توانستند خدمات شایانی از خود نشان دهند و شاید بتوان ادعا کرد که برادران شرلی اولین مستخدمین رسمی بودند. آنان توانستند به پیشرفت و بهره‌گیری بهتری از سلاح‌های آتشین در ایران دوره صفوی دست یابند و همین‌طور در سازماندهی سپاه ایران در سلطنت شاه عباس و تأسیس فوج‌های نوین سپاه در این روزگار نقش عمده‌ای را ایفاء کنند.

از فرانسویانی که به دربار ایران راه یافتند، شخصی به نام دومان^۱ از فرقه کاپوسین‌های فرانسه در سال ۱۰۵۵ ق. / ۱۶۴۵ م. بود که مدت ۵۰ سال در ایران ماند. تسلط وی به زبان فارسی او را قادر ساخت به عنوان مترجم در دربار عباس دوم و بعدها سلیمان در خدمت شاه باشد. (لکهارت، ۱۳۶۸: ۴۸۶-۴۸۵ / محبوبی اردکانی، ۱۳۷۸: ۳۸ / میراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۰۰)

شخص دیگر، فرانسوا پتی دولاکروا به عنوان منشی و مترجم شاه بود و زبان فارسی رابه خوبی می‌دانست. ترجمه تاریخ تیموری معروف به ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی از اوست که در سال ۱۷۲۲ م. در ۷ جلد منتشر گردیده است و نیز کتاب «هزارویک شب» که ۵ جلد آن در سال ۱۷۱۱ - ۱۷۱۰ م. انتشار یافت. رساله «دولت ایران» و «سفرنامه فرانسوایی دولاکروا» نیز از آثار او است. (نویی، ۲۵۳۷: ۲۲۷)

فرانسوی دیگر مقیم در دربار شاه اسماعیل دوم در سال ۱۰۹۵ ق. / ۱۶۸۳ م. سانسون بود. او نیز در دربار ایران زبان فارسی را آموخت و مترجم دربار شد. سفرنامه او نیز حاوی مطالبی درباره اقامت ۵۰ ساله وی در ایران است که نکات ارزنده‌ای از تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران را در بر دارد. (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۱)

از تادئوس کروسینسکی به عنوان یک کاردان لهستانی می‌توان یاد کرد. او کشیش و پزشک بود و مهارتش در پزشکی، باعث شد که به عنوان پزشک دربار انجام وظیفه نماید. اقامت طولانی وی به مدت قریب ۲۰ سال، سفرنامه او را دارای اهمیتی خاص کرده است. به ویژه آنکه، از جمله شاهدان عینی سقوط صفویه بوده است. (کروسینسکی ۱۳۶۳: ۹-۸ / میراحمدی، ۱۳۷۱: ۲۱) وی در دربار شاه سلطان حسین صفوی از سال‌های ۱۱۳۴-۱۱۰۶ ق. / ۱۷۲۲-۱۶۹۴ م. به عنوان مترجم فعالیت می‌کرد و همه

۱. Dumans (نام اصلی او Jacques Dutertre) است

موافقتنامه‌های ایران با کشورهای اروپایی و نامه‌های متبادله، از جمله نامه‌های لویی چهاردهم را ترجمه می‌کرد و آرشیو ویژه‌ای از نامه‌نگاری‌های دیپلماتیک دربار با کشورهای دیگر را تهیه کرده بود. او به شدت مورد احترام شاه و دربار بود و در سال ۱۱۳۲ ق. / ۱۷۲۰ م. از سوی پادشاه ایران به مقام وکیل کل دربار منسوب شد. کروسینسکی در مراسم تاجگذاری محمود افغان که به اصفهان حمله کرده بود، نیز حضور داشت و چندی نیز پزشک محمود افغان شد و به دلیل رفت و آمد او به دستگاه حکومتی ایران، اطلاعات ذی‌قیمتی از دربار سلطان حسین و محمود افغان ارائه می‌دهد. او این خاطرات غم‌انگیز را در کتاب «سقوط اصفهان»^۱ نوشته است. (جولانتا سیراکاسکا، ۱۳۸۳: ۶۳). می‌توان گفت در اواخر دوره صفویه در سال ۱۷۳۶ م. با گزارش‌های این اشخاص، ایران دیگر سرزمینی کشف نشده برای غربیان نبوده است. (کمبریج ۱۳۸۰: ۲۱۸)

کارگزاران خارجی در دوره افشاریه

در عهد نادرشاه افشار و جانشینان او به علت جنگ با همسایگان و نیز زد و خورد‌های داخلی و بی‌ثباتی سیاسی در کشور، ارتباط کشورهای اروپایی با ایران کاهش یافت، اگرچه دنباله آشنایی‌ای که ایرانیان با تمدن اروپایی در عهد صفوی پیدا کرده بودند، ادامه یافت. به اقتضای جهانگشایی و سیاست نظامی نادر، خارجیانی که در خدمت دولت ایران بودند غالباً متخصصانی نظامی از قبیل مهندسی و توپخانه‌چیان بودند، اما در این میان، امری که مهم‌تر شمرده می‌شد توجه نادر شاه به ساختن کشتی در ساحل دریای مازندران و بندر بوشهر و ایجاد کوره‌ای در نزدیکی آمل برای ذوب آهن و گلوله و خمپاره‌سازی بود. (محبوبی‌اردکانی، ۱۳۷۸: ۴۱) او اولین پادشاه ایران است که ارزش نیروی دریایی را درک نمود و از این حیث شایسته احترام است. (لکه‌هارت، ۱۳۳۱: ۱۱۲)

روس‌ها یک هلندی به نام سارو که آگاهی‌های تجاری و فنی در جهت توسعه ایران داشت و همین‌طور در ساختن کشتی ماهر بود به ایران فرستادند. این مساعدت روس‌ها با توجه به نقطه ضعف آن روز ارتش ایران، آن هم در آن هنگام که دیگر اروپائیان

مصلحت انجام آن را نمی‌دیدند، سخت مفید افتاد و نشانه ای از تصمیم جدی روس ها برای حمایت از ایران و شکست عثمانی‌ها تلقی شد. (شعبانی، ۱۳۷۸: ۵۸۶)

در سال ۱۱۵۱ق. / ۱۷۳۹ م. یکی از سیاحان انگلیسی به نام جان التون که سابقاً در خدمت روسیه بود با مقداری مال التجاره به رشت آمد و از رضا قلی میرزا فراهانی اجازه تجارت به ایران را گرفت و به انگلیس برگشت و مردم را به تجارت ایران تشویق نمود. پس از مراجعت و تحصیل اجازه از روسیه در شهر غازان دوکشتی ساخت و با آنها به ساحل ایران آمد. (پیر نیا، ۱۳۷۰: ۷۳۵) این کشتی ها مورد توجه نادر قرار گرفت و تصمیم گرفت التون را به خدمت خود درآورد. التون این پیشنهاد را پذیرفت و در ۱۱۵۵ق. / ژانویه ۱۷۴۳ م. به ریاست کل کشتی سازی ایران منصوب شد. (مهدوی، ۱۳۸۳: ۱۷۲) او برای تأسیسات کشتی سازی کشور در دریای مازندران تلاش سودمندی به عمل آورد. بار اول وی به همراه هموطن خود گرائم به ایران وارد شد که او در این امر کمک‌های شایانی کرد. (شعبانی، ۱۳۷۳: ۳۶۶) التون به ساختن کشتی قانع نشد و مراکز ستاد خود را در لنگرود و بندر لاهیجان تأسیس نمود و برای از بین بردن مشکلات به طور جدی مشغول کار شد. او که فقط یک نجار انگلیسی، چند نفر روسی و چند نفر هندی در اختیار داشت، یک کشتی که بیست و سه پارو داشت را به آب انداخت. حکومت روسیه، فعالیت‌های دریایی ایران و نادر شاه را با نظر خصمانه می‌نگریست. (سایکس، ۱۳۶۸: ۳۹۳)

با گذشت زمان، شکایات روس و انگلیس بیش از پیش شدت گرفت. به ویژه پس از آنکه التون ساخت اولین کشتی را برای نادر کامل کرد. با وجود تلاش‌های فراوان هنوی^۱ برای متقاعد نمودن وی در قطع رابطه با ایران و همین‌طور تلاش‌های لرد تایرواکی، التون زیر بار نرفت. (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۵: ۳۱۵) هنگامی که یک بار دیگر التون تحت فشار قرار گرفت که به انگلستان بازگردد، حکم نادر را به مورخه ۲۱ نوامبر ۱۷۴۵ م. ارائه داد، بدین مضمون که: «شایسته‌ترین مسیحیان» اجازه ندارد ایران را ترک کند،

۱. Henway هنوی در خدمت کمپانی کشتیرانی مسکو کار می‌کرد و همان موقع با شورشیان استرآباد همدستی کرده بود. ترکمن‌ها دارایی او را غارت و خودش را به اسیری بردند. ر. ک: کرزن، جورج. ن. ایران و قضیه ایران، ج ۲، ص ۶۴۶.

چون لازم است که در نوروز آینده در دربار حضور یابد و کارهای ناوگان را بر مبنای صحیحی سروصورت دهد. (لکه‌پارت، ۱۳۳۱: ۶۲۹-۶۲۸)

نادر بدون توجه به کارشکنی‌های روس‌ها دستور داد التون به تأسیس نیروی دریایی جنوب پردازد. وی در خلیج فارس نیز برای تشکیل نیروی دریایی بذل مساعی نمود. او بیست فروند کشتی که پرتغالی‌ها و هندیان آن‌را اداره می‌نمودند، به آب انداخت و نیروی ایران در آن منطقه، نفوذ بیشتری یافت. علاوه بر آن نادر در آنجا یک اسکله احداث نمود، اما برای حمل الوار از سرتاسر ایران تا آنجا تلفات انسانی زیادی داد. (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۳۹۴) التون حتی پس از قتل نادر هم دنبال کار خود را گرفت و سرانجام در سال ۱۱۶۵ م. در یکی از انقلابات محلی گیلان به قتل رسید. (همان: ۳۹۵) پس از آن، نیروی دریایی ایران راه نابودی پیش گرفت، فقط یک کشتی نیمه‌تمام در اسکله بوشهر که مسافری بعدی از آن نام برده‌اند، باقی ماند که معلوم می‌کرد آنجا یک وقت محل ساختن و تعمیر سفاین بوده است. (همان: ۷۳۶)

در زمان نادر به دلیل بروز جنگ‌های داخلی، روابط خارجی شایان توجهی شکل نگرفت. این امر، پس از وی نیز کم‌رنگ‌تر شد. در دوره زندیه می‌توان گفت تقریباً کارگزار و یا حتی جهانگردی که قابل توجه باشد و بتوان از او یاد کرد، وجود نداشت.

مستشاران خارجی در دوره قاجار

مهم‌ترین تلاش‌ها در راه آشنا شدن ایران با تمدن جدید غرب در زمان قاجاریه انجام شد، زیرا در این دوره بود که رقابت‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای مختلف شدت بیشتری گرفت و ایران ناخواسته با سیاست‌های اروپایی روبرو گشت. (زرین‌کوب، ۱۳۷۵: ۱۳۶-۱۳۵) در زمان فتحعلی‌شاه و پس از آن بود که دعوت از مستشاران و استخدام آنان به شکل رسمی صورت پذیرفت که این امر در پیشبرد اهداف و تحصیل معارف جدید در زمینه‌های نظامی، صنعتی و آموزشی سهم به‌سزایی داشت. فتحعلی‌شاه و عباس‌میرزا ضرورت مبرم به‌کارگیری تسلیحات مدرن و روش‌های جدید نظامی را دریافته بودند تا ایران از آن طریق بتواند مانع پیشرفت‌های روسیه از راه قفقاز و گرجستان شوند. بیشتر به همین دلیل بود که رو به سوی بریتانیا و فرانسه آوردند. بنابراین تلاش برای نوسازی

در درجه اول، به دلیل فشار خارجی در زمینه نظامی صورت گرفت. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۹۳/ بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۶۸)

فراریان و مهاجرین روسیه که در ایران پناه گرفته بودند دانش خود را درخصوص تاکتیک‌های اروپایی به ارتش ایران آموزش دادند، ولیکن نخستین ارتش ایران توسط فرانسویانی سازمان یافت که همراه نامه‌هایی از ناپلئون به اردوی عباس میرزا آمده بودند. (لمبتون، ۱۳۸۵: ۱۹۰)

فتحعلی‌شاه، میرزا محمدرضا قزوینی را به دربار ناپلئون فرستاد. با توجه به اینکه ناپلئون نقشه حمله به هندوستان را در سر داشت (واتسن، ۱۳۴۰: ۱۱۲) و همین‌طور درصدد بود در مورد ایران اطلاعاتی از لحاظ نظامی و شناخت راه‌های ارتباطی مهم کسب نمایند، بسیار به اتحاد با ایران تمایل داشت. (دوگاردان، ۱۳۶۲: ۱۱۶ / آدمیت، ۱۳۵۱: ۲۸۶)

یکی از مفاد عهدنامه فین کنشتاین در سال ۱۲۲۲ ق. / ۱۸۰۷ م. آموزش ارتش ایران با روش نظام اروپایی بود که طی آن ناپلئون، کلود ماتیهو دوگاردان را به ریاست یک هیئت ۷۰ نفری به ایران فرستاد. (شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۶۹ / تاجبخش، ۱۳۶۲: ۵۵) اعضای هیئت همراه ژنرال گاردان دو گروه بودند. گروه اول: هیئت سیاسی و گروه دوم: هیئت نظامی. اعضای هیئت سیاسی عبارت بودند از: آنژو دوگاردان برادر ژنرال گاردان دبیر اول سفارت، ژان پابتسیت لوی ژاکرسو، دبیر دوم سفارت، لاژار دبیر سوم سفارت، ژوان مترجم اول سفارت، نرسیا معاون مترجم. ژوانارد معاون مترجم، تاتکوانی معاون مترجم، بواسون آتاشه سفارت، اسکالون مترجم، آدرین دوپره مترجم، دکترسالواتوری پزشک و جراح، داماد کشیش و مبلغ مذهبی، فرانگوپولو کشیش و اعضای هیئت نظامی: کامیل ترزل ستوان مهندس جغرافیا و آجودان ژنرال گاردان، برنارد ستوان مهندس، لامی سروان مهندس، تروئیلیه سروان مهندس، بونتان سروان پیاده، بیانگی سروان مهندس، شارل نیکولا فابویه ستوان توپخانه، ربول ستوان توپخانه، پین سروان سواره نظام و پره‌ئو نقشه بردار. (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۸۱)

در تابستان ۱۲۲۳ ق. / ۱۸۰۸ م. ژنرال گاردان همراه اعضای هیئت خود به اردوگاه سلطنتی سلطانیه رفتند (پاکروان، ۱۳۷۶: ۱۴) و پس از یک سال با کوشش افسران فرانسوی ۳۵ هزار سرباز را به روش و قانون اروپا تعلیم دادند و آماده شرکت در جنگ‌ها نمودند. (لسان‌الملک سپهر، ۱۳۷۷: ۱۶۶) از دیگر کارهای هیئت فرانسوی، فرستادن

ستوان فابویه به اصفهان جهت ساختن توپخانه بود. وی با اختیارات تام از سوی فتحعلی‌شاه به همراه ربول جهت احداث کارخانه توپریزی به این شهر رفت که او این کار را با مشکلات فراوان به انجام رسانید و در مدت هشت ماه بیست توپ سبک صحرایی ساخت. (تاجبخش، ۱۳۶۲: ۵۵)

پس از پنج هفته وی با تمام این زحمات با استقبال سرد شاه و صدراعظم روبرو گشت و این رفتار شاه حکایت از روگردانی دولتمردان ایران از هیئت فرانسوی داشت، (کاووسی عراقی، ۱۳۷۶: ۳۸) زیرا در همان سال ۱۲۲۳ ق. / ۱۸۰۸ م. فرانسه و روسیه در تیلیست پیمان صلح امضاء کرده بودند و شاه تغییر عقیده داده بود. (پیوکارلو ترزیو، ۱۳۶۳: ۳-۲۲۲ / بهنام، ۱۳۷۵: ۲۰) به این ترتیب این امر منجر به هم‌پیمانی جدید ایران و انگلیس و انعقاد قرارداد مجمل در سال ۱۲۲۴ ق. / ۱۸۰۹ م. شد که همراه با این معاهده که توسط سر هار فوردجونز منعقد گردید به پیوندهای ایران با فرانسه پایان داده شد و هیئت گاردان بدون آنکه تلاش آنها به نتیجه‌ای مهم و کارساز منتهی گردد، از ایران خارج شدند. (اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۱۱۷) انگلستان نیز متعهد شد که در صورت حمله روسیه به ایران، به این کشور کمک نظامی نماید و تا زمانی که جنگ با روسیه به پایان نرسیده است، انگلستان سالانه به ایران کمک مالی دهد و افسران انگلیسی جانشین افسران فرانسوی شوند. (نیکی کدی، ۱۳۸۰: ۴۳)

بدین ترتیب در سال ۱۲۲۴ ق. / ۱۸۰۹ م. نخستین هیئت آموزگاران نظامی انگلستان برای تعلیم ارتش ایران وارد شدند. این هیئت یکصد نفر بودند که بعضی از آنها از انگلستان و بعضی دیگر در هندوستان به این دسته ملحق شدند. این افسران انگلیسی که به گفته دنبلی افراد کاردان و ماهری بودند به عنوان مربی در ارتش ایران استخدام شدند و بلافاصله به تعلیم دسته‌های سپاه ایران مشغول شدند. (مفتون دنبلی، ۱۳۵۱: ۲۴۲). آنها حقوق زیادی داشتند، به طوری که یک افسر انگلیسی قریب شصت تومان پاداش دریافت می‌نمود. (دروویل گارسپار، ۳۷۰: ۱۶۴) در سال بعد، جان ملکم در مأموریت خود به ایران به همراه هیئت نظامی انگلستان و مقداری مهمات جنگی مأمور ایران گردید. ملکم که علاقه شدید فتحعلی شاه به مقابله با قوای روسیه و احتیاج او را به کمک و مساعدت نظامی کاملاً حس کرده بود پیش از آنکه درباره مأموریت خود سخن بگوید، توپخانه و تفنگ‌های جدید همراه چند تن از افسران کار آمد خود را به شاه معرفی کرد. (شمیم، ۱۳۷۹: ۷۸)

در سال ۱۲۲۵ق. / ۱۸۱۰م. هیئت آموزگاران نظامی انگلستان در ماه ژوئیه با کشتی به اتفاق سرگور اوزلی سفیر انگلستان وارد کشور شدند. او نیز همراه خود چند تن صاحب منصب نظامی و یک عده سرجوخه پیاده نظام داشت.

در همان سال هیئتی از صاحب منصبان نظامی و سرجوخه های انگلیسی با اسلحه فراوان از هندوستان به ایران آمدند. از این افسران نیز آنان که مشهورترند از این قرارند: جوستین شی، سرهنری راولینسون، سرهنگ فرن، سرهنگ پاسمور، سرهنگ استودارت. (امینی، ۱۳۷۸: ۱۶۱-۱۵۹)

اما چند ماه پس از امضای عهد نامه مفصل بین دو دولت روس و انگلیس، پیمان اتحادی علیه ناپلئون منعقد گردید و مقرر شد که هیچ یک از طرفین قرارداد صلح جداگانه‌ای با فرانسه منعقد نکنند. سپس انگلیس همه مستشاران نظامی خود را که در خدمت دولت ایران بودند به استثنای ماژور کریستی احضار کرد. در سال ۱۲۲۸ق. / ۱۸۱۲م. جنگ هولناکی میان سپاهیان ایران و روس در محل اصلاندوز به وقوع پیوست که در پی آن شکست جبران‌ناپذیری نصیب لشگریان عباس میرزا گردید و ماژور کریستی انگلیسی که کنار سپاهیان ایران می‌جنگید، کشته شد. (ظهیرنژاد ارشادی، ۱۳۸۱: ۱۴)

اما پس از نزدیکی روسیه به ایران و عقد صلح ترکمنچای، انگلستان مناسب دانست که روابطش را با قاجاریه به صورت دائمی و پایدار در آورد تا از نفوذ روسیه جلوگیری کند. لذا در راستای اعزام مستشاران نظامی در ذی‌قعدة ۱۲۵۰ / مارس ۱۸۳۴ حکومت انگلیسی هند، چند افسرانگلیسی را تحت ریاست میجر داری تاد برای تعلیم ارتش ایران با مقادیری مهمات به ایران فرستاد. (داری تاد، ۱۳۸۴: ۵) کمک برخی از این افسران در شکست مدعیانی چون علیشاه ظل‌السلطان و جلوس محمد شاه و نیز ارسال مقادیری دیگر سلاح و شماری سرباز از سوی انگلیس باعث گردید که ضمن آموزش سربازان ایرانی به شیوه جدید، مناسبات دوستانه ای بین تهران و بمبئی به وجود آید. (شمیم، ۱۳۷۹: ۱۲۶)

با جلوس محمدشاه بر تخت سلطنت، بریتانیا وجوه لازم را برای بازسازی کارگاه‌های ساخت توپ و تسلیحات به دولت ایران پرداخت کرد، تسلیحات اضافی نیز از انگلستان فرستاده شد و دو سال بعد در سال ۱۲۵۱ق. / ۱۸۳۶م. نه افسر انگلیسی برای تعلیم نظامی سربازان ایرانی وارد ایران شدند. درست مانند اصلاحات نظامی‌ای که پیش‌تر از

سوی عباس میرزا نایب‌السلطنه آغاز شده بود، محمدشاه در پی کسب مجوز شرعی رواج یونیفورم نظامی به سبک اروپایی بود و می‌کوشید یونیفورم جدید را دارای منشأ ایران‌باستان نشان دهد و بر مشابهت آن با یونیفورم سربازان که در تخت‌جمشید نقش بسته است، تأکید ورزد. (رینگر، ۱۳۸۱: ۶۰)

محاصره هرات در سال ۱۲۵۳-۱۲۵۱ق. / ۱۸۳۸-۱۸۳۶م. آگاهی محمد شاه را از شکاف فن‌آوری بین ارتش‌های ایران و اروپا بیشتر کرد. (آدمیت، ۱۳۳۴: ۱۸۶) بر خورد نظامی و دیپلماتیک با بریتانیای کبیر، او را به جستجوی کمک از دولت فرانسه کشاند. محمدشاه در سال ۱۲۵۴ق. / ۱۸۳۹م. میرزا حسین خان‌باشی را برای درخواست تعلیمات نظامی فرانسویان و پادرمیانی دیپلماتیک فرانسه بین ایران و بریتانیای کبیر در مورد دعاوی ایران نسبت به هرات، به فرانسه فرستاد. دولت فرانسه که مایل نبود مناسبات خود را با بریتانیای کبیر و روسیه به خطر اندازد، از اعزام هیئت نظامی رسمی به ایران خودداری کرد، اما پذیرفت توافق برای تعلیمات نظامی را بین گروهی از افسران سابق ارتش فرانسه و سفیر ایران تسهیل کند.

قراردادی در ۹ اوت ۱۲۵۴ق. / ۱۸۳۹ م. به امضاء رسید که به موجب آن یازده افسر سابق برای یک دوره هشت ساله تعلیم سربازان ایرانی را در فنون پیاده نظام، سواره نظام و توپخانه به عهده می‌گرفتند. اما این گروه افسران فرانسوی بهبود اساسی در ارتش ایران پدید نیاوردند. (ناطق، ۱۳۶۸: ۱۱۴-۱۱۲) سال‌ها بعد، میرزا آقاسی صدراعظم ایران تمایل خود را به روابط مستحکم‌تر بین فرانسه و ایران تکرار کرد و از سفیر کبیر فرانسه خواست که مریدان نظامی فرانسوی دیگری به ایران اعزام شوند. میرزا آقاسی در نامه‌ای به کنت دوسارتینگه سفیر فرانسه در سال ۱۲۵۹ ق. / ۱۸۴۴ م. نوشت: «آنچه برای من بیش از همه چیز اهمیت دارد این است که آموزگاران فرانسوی برای تعلیم سپاه بیابند». (همان: ۱۲۸)

افزون بر تعلیمات نظامی، محمدشاه به سیاست عباس میرزا مبنی بر اکتساب مهارت‌های صنعتی اروپائیان از طریق دعوت تکنسین‌های فرانسوی برای اقامت در ایران ادامه داد. هنگامی که کنت دوسرتینگه سفیر فرانسه در ۱۲۵۵ق. / ۱۸۴۰ م. به ایران آمد، کارشناسان مورد درخواست در زمینه‌های شمع‌سازی، کاغذسازی، شیشه‌سازی و نخ‌ریسی را به همراه آورد. علاوه بر آن، یکی از امتیازاتی که محمدشاه در دوره مأموریت

سرسی در ایران به فرانسویان واگذار کرد، این بود که صنعت‌گران فرانسوی در آذربایجان برای ۵۰ سال از حمایت رسمی برخوردار شدند. (همان: ۱۱۸)

تلاش مستمر محمدشاه برای جذب صنعتگران ماهر فرانسوی از فرانسه از این واقعیت آشکار می‌شود که محمدعلی‌خان شیرازی سفیر ایران در فرانسه، در سال ۱۲۶۲ ق. ۱۸۴۷ م. در خواست کرد که دولت فرانسه طیفی از صنعت‌گران فرانسوی را به ایران اعزام کند. گیزو وزیر امور خارجه فرانسه با اعزام تعدادی از صنعت‌گران و مهندسی‌ن به ایران موافقت کرد، اما با درگذشت محمدشاه در سال ۱۲۶۴ ق. / ۱۸۴۸ م. و به دنبال آن، سردشدن مناسبات ایران و فرانسه از اجرای این توافق جلوگیری کرد. (آدمیت، ۱۳۴۰: ۴۳-۴۱)

نتیجه

ایجاد اصلاحات در ایران، ابتدا در حوزه نظامی به دلیل شکست‌های ایران از دشمنان خود و فقدان سلاح‌های نظامی پیشرفته برای مقابله با آنان ضرورت یافت و ایران به دلیل عقب‌افتادگی و داشتن نظام کهن، خواه و ناخواه مجبور شد دست نیاز به سوی کشورهای غربی دراز کرده و در این زمینه اقداماتی چون استفاده از متخصصان کشورهای خارجی برای آموزش در حوزه‌های گوناگون انجام دهد. پی‌آمدهای به‌کارگیری فنون پیشرفته غرب در ایران کار نسبتاً مفیدی بود و اقدامات آنان موجب پایه‌گذاری تحولات و تغییرات در ایران شد. مستشاران خارجی جدای از برخی سودجویی‌ها توانستند در ایجاد تغییرات نوین و اصلاحات از خود رد پای برجای گذارند و اقداماتشان باتوجه به شرایط خاص جامعه ایرانی، شکل و آهنگ خود را پیدا کرد و کشور را با دگرگونی مواجه ساخت.

باید در نظر داشت بخشی از نواقص کار و ناکامی مستشاران خارجی تاحدودی نشأت‌گرفته از شرایط سنتی جامعه ایران در آن برهه از زمان بود، به‌گونه‌ای که آمادگی استفاده از این فرصت‌ها را نداشت. اما در کل، اقدامات آنان بستری از رشد فکری و تحولات در زمینه‌های گوناگون را در پی داشت و به دنبال آن بروز اندیشه‌های روشنگری و ورود ایران به دنیای مدرن از دیگر فرایندهای آن بود که با زندگی و فرهنگ سنتی ایران آن عصر، تفاوت‌های آشکاری داشت.

منابع و مأخذ

- آدمیت، فریدون، (۱۳۷۸) **امیر کبیر و ایران**، چ هشتم، تهران: خوارزمی.
- _____ (۱۳۴۰)، **فکر آزادی در مقدمه نهضت مشروطیت ایران**، تهران: سخن.
- _____ (۱۳۵۱)، **اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار**، تهران: خوارزمی.
- آزند، یعقوب، (۱۳۸۰)، **کمبریج**، ج ۶، تهران: جامی.
- احیائی، زینب، (۱۳۸۲)، **مستشاران امریکایی در ایران به روایت اسناد**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اعتماد السلطنه، محمد خان، (۱۳۶۷)، **تاریخ منتظم ناصری**، ج ۳، به اهتمام: اسماعیل رضوانی. تهران: دنیای کتاب.
- امینی، ایرج، (۱۳۷۸)، **ناپلئون و ایران**، ترجمه: اردشیر لطیفیان، تهران: فروزان.
- اولغار یوس، آدام، (بی تا)، **سفرنامه**، ترجمه: احمد بهپور، تهران.
- برادران شرلی، (۱۳۵۷)، **سفرنامه**، ترجمه: آوانس، با مقدمه و توضیح حجت آئین، تهران: کتابخانه منوچهر.
- بنجامین، (۱۳۶۹)، **سفرنامه (ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه)**، ترجمه: حسین کردیچه، [بی جا]، جاویدان.
- بهنام، جمشید، (۱۳۷۵)، **ایرانیان در اندیشه تجدد**، تهران: فروزان.
- دلواله، پیتر، (۱۳۷۰)، **سفرنامه**، ترجمه: شجاع الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- پاکروان، امینه، (۱۳۷۶)، **عباس میرزا و فتحعلی شاه**، نبردهای ده ساله ایران و روس، ترجمه: صفیه روحی، تهران: تاریخ ایران.
- پرویز، عباس، (۱۳۳۹)، **تاریخ و تمدن جدید ایران**، [بی جا]، موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی
- پیرنیا، حسن و عباس اقبال آشتیانی، (۱۳۷۰)، **تاریخ ایران**، چ پنجم، تهران: کتابخانه خیام.
- پیوکارلوتزیو، (۱۳۶۳)، **رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان**، ترجمه: عباس آذین، تهران: علمی و فرهنگی.
- تاجبخش، احمد، (۱۳۶۲)، **سیاست‌های استعماری روسیه و انگلستان و فرانسه در ایران**، تهران: اقبال.
- جولانتاسیر اکاسکا، وایندو، (پاییز ۱۳۸۳)، **مناسبات ایران و لهستان در دوران صفویه**، ترجمه: خسرو مشهوری مقدم، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال پنجم، شماره ۲۰.

- حائری، عبدالهادی، (۱۳۸۰)، نخستین رویارویی های اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، چ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- حسام معزی، نجفقلی، (۱۳۶۶)، تاریخ روابط سیاسی ایران و دنیا، به کوشش: همایون شهیدی، تهران: نشر علم.
- دارسی تاد، الیوت، (۱۳۸۴)، روزنامه مازندران، مقدمه و تصحیح: جمشید قائمی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- دروویل، گاسپار، (۱۳۷۰)، سفر نامه، چ چهارم، ترجمه: منوچهر اعتماد مقدم، [بی جا]، شباوین. دو گاردان، کنت آلفرد، (۱۳۶۲)، مأموریت گاردان در ایران، ترجمه: عباس اقبال، تهران: گزارش.
- رایت، دنیس، (۱۳۶۱)، نقش انگلیس در ایران، ترجمه: فرامرز فرامرزی، [بی جا]، فرخی.
- رابینو، لویی، (۱۳۶۳)، دیپلمات ها و کنسول های ایران وانگلیس، ترجمه: غلامحسین میرزاصالح، تهران: نشر تاریخ ایران.
- رویمر، هانس، (۱۳۸۰)، ایران در راه عصر جدید، ترجمه: آذر آهنچی، تهران: دانشگاه تهران.
- ریشار، یان، (۱۳۶۹)، ایران و اقتباس های فرهنگی شرق از مغرب زمین، مجموعه مقالات، ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی.
- رینگر، مونیکا، (۱۳۸۱)، آموزش، دین و گفتمان اصلاح فرهنگی دوره قاجار، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- زرگری نژاد، غلامحسین، (۱۳۸۵)، روزشمار تحولات ایران در عصر قاجاریه، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۷۵)، روزگاران ایران، ج ۳، تهران: سخن.
- زیباکلام، صادق، (بی تا)، سنت و مدرنیته در ایران، تهران: روزنه.
- سانسون، (۱۳۴۶)، سفرنامه، وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، ترجمه: تقی تفضلی، تهران: ابن سینا.
- سیوری، راجر، (۱۳۸۲)، افسانه شرلی، تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی، مجموعه مقالات، ترجمه: عباسقلی غفاری فرد و محمد باقر آرام، تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۷۴)، ایران عصر صفویه، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: نشر نو.
- شمیم، علی اصغر، (۱۳۷۹)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: زریاب.
- شعبانی، رضا، (۱۳۷۳)، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، ج ۱، تهران: نشر توس.
- _____ (۱۳۷۸)، مختصری از دوره های افشاریه و زندیه، تهران: سخن.

مستشاران خارجی در ایران (از آغاز ورود تا سلطنت محمدشاه قاجار) ۹۵

- شیرازی، فضل‌الله، (۱۳۸۰)، تاریخ ذوالقرنین، ج ۱، تحقیق: ناصر افشار فر، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- ظهیرنژاد ارشادی، مینا، (۱۳۸۱)، اسنادی از روابط ایران و انگلیس در عصر محمد شاه قاجار، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- عاقلی، باقر (۱۳۳۴) «تاریخچه شنیدنی مستشاران خارجی در ایران» نشریه خواندنی‌ها، سال ۱۶، ش ۴۹.
- علی آقایی بخشی، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات علمی ایران. فرهنگ معین، ویرایش ۱۳۸۴، ذیل مستخدم و مستشار.
- فلسفی، نصرالله، (۱۶۳۴)، زندگانی شاه عباس اول، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- قدیمی قیداری، عباس، «نکاتی درباره سفیران دولت‌های اروپایی در دوره صفویه»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال هفتم، شماره ۲۷-۲۶.
- کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۶۵)، دیپلماسی در عصر دگرگونی در روابط بین‌المللی، تهران: موسسه مطالعات سیاسی بین‌الملل.
- کاووسی عراقی، محمدحسین و حسین احمدی (۱۳۷۶)، اسنادی از روابط ایران و فرانسه در دوره فتحعلیشاه، تهران: وزارت امور خارجه.
- کدی، نیکی، آر، (۱۳۸۱)، ایران دوران قاجار و برآمدن رضا خان، ترجمه: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- کرزن، لرد ناتیل، (۱۳۷۳)، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ترجمه: وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کروسینسکی، (۱۳۶۳)، سفرنامه - یادداشت‌های کشیش لهستانی در عصر صفویه، ترجمه: عبدالرزاق دنبلی، تهران: توس.
- کسرای، محمد سالار، (۱۳۷۹)، چالش سنت و مدرنیته در ایران، تهران: نشر مرکز.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی، (۱۳۷۷)، ناسخ التواریخ، ج ۱، به اهتمام: جمشید کیانفر، تهران: نشر اساطیر.
- لکه‌هارت، لارنس، (۱۳۶۸)، انقراض سلسله صفوی و ایام استیلای افغانه در ایران، ترجمه: مصطفی قلی عماد، تهران: مروارید.
- _____ (۱۳۳۱)، نادر شاه، ترجمه: مشفق همدانی: تهران: چاپخانه شرق.
- _____ (۱۳۷۹)، نادرشاه، آخرین کشورگشای آسیا، ترجمه: اسماعیل افشار نادری، تهران: داستان.

- لمبتون، آن کاترین و سواين فورد، (۱۳۸۵)، سیری در تاریخ ایران پس از اسلام، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: امیر کبیر.
- محبوبی اردکانی، حسین، (۱۳۷۸)، تاریخ مؤسسات تمدنی جدید، ج ۱، چ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- میراحمدی، مریم، (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، تهران: امیر کبیر.
- محمود، محمود، (۱۳۲۸)، تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی، ج ۱، تهران: اقبال.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق، (۱۳۵۱)، مآثر السلطانیه، (تاریخ جنگ‌های ایران و روس)، به اهتمام: غلامحسین صدری، تهران: ابن سینا.
- ممتحن الدوله شقاقی، میرزا محمدمهدی‌خان، (۱۳۷۹)، مآثرالمهدیه، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
- ناطق، هما، (۱۳۶۸)، ایران در راه یابی فرهنگی، پاریس: خاوران.
- نویسی، عبدالحسین، (۲۵۳۷)، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی، چ سوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- _____ (۱۳۷۲)، تاریخ روابط ایران و اروپا در عصر صفویه، تهران: ویسمن.
- هدایت، رضاقلی‌خان، (۱۳۸۰)، روضه الصفای ناصری ج ۹ و ۱۵، به تصحیح: جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۸۳)، روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، چ نهم، تهران: امیر کبیر.
- واتسن، رابرت گرافت، (۱۳۴۰)، تاریخ قاجاریه، ترجمه: عباس قلی آذری، [بی جا].
- ورهرام، غلامرضا، (۱۳۷۱)، منابع تاریخ دوره اسلامی، تهران: امیر کبیر.
- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، تاریخ روابط خارجی در عهد شاه اسماعیل صفوی، تهران: وزارت امور خارجه.
- یونر، ژول، (۱۳۳۵) آموزگاران نظامی انگلیس در ایران و رفتن ایرانیان به آمریکا، خواندنی‌ها، سال ۳۱، شماره ۲۵.